



## غزّه ویران...



کاوّه گوهرین

شاعر

امروزه «هایکو» (Haiku) یکی از شناخته‌شده‌ترین قالب‌های آفرینش فکری - ادبی است و پرهیز دارم از این که آن را نوعی قالب شعری بنامم، چرا که جهان هایکو به عقیده من پا را از عرصه شعر فراتر می‌گذارد، گویان که در ایران از «هایکو» تلقی شعر دارند و هر شعر دو سه سطرری را هایکو می‌نامند در صورتی که چنین نیست و این قبیل سروده‌ها هرگز هایکونیستند و در بسیاری موارد شعرهای کوتاه متوسطی هستند که هیچ ربطی به جهان هایکو ندارند. در این میان هستند شاعران صاحب‌نام و شناخته‌شده‌ای که داعیه هایکو نویسی ندارند اما در سروده‌های کوتاه آنان رنگ و بویی از هایکو وجود دارد. برای نمونه «عباس کیارستمی» در سروده‌های کوتاه‌اش هرگز به هایکو بودن آنها تصریح نکرده اما نوشته‌های چنین یک‌هایکوی کامل است و شما تمام عناصر و تکنیک یک هایکوی کلاسیک را در آن می‌یابید:

خسخته

یک چشم‌باز می‌کند و می‌بندد

برای دیدن پشه مزاحم.

پشه در این جا «فصل واژه» است و به خواننده می‌گوید که تابستان است. فصل واژه همان است که هایکونویسان ژاپنی (Kigo) می‌نامندش و سکوت واژه یا (Kireji) هم در انتهای سطر سوم اتفاق می‌افتد و ابوی سابی (Wabisabi) این اثر و روح و گوهر درونی هایکو القای تنهایی سگی است نیم‌خفته و هوشیار که به دیدن پشه مزاحم، چشم می‌گشاید و می‌بندد. در نگاه نخست آن کس که با روح هایکو آشنایی چندانی ندارد، ممکن است بیندیشد از این قبیل، فراوان می‌توان نوشت اما راست این است این اگر کسی به اصول، تکنیک و روح هایکو اندک احاطه‌ای داشته باشد، خواهد دانست که در عین ساده بودن آنچه در هایکو مورد توجه هایکونویس است، دست یافتن به گوهر درونی هایکو و ثبت آن تا چه اندازه دشوار و گاه‌ناشدنی است.

«پرویز بیگی» هم از آن دسته شاعران شناخته‌شده

ایرانی است که هرگز در نوشته‌های او کوشش از هایکونویسی سخن به میان نیآورد. اما روح سروده‌های کوتاه او چنان بر دل و جان بانویی چینی نشسته که هم خوشی را مصروف ترجمه ۱۱۱ شعر کوتاه او کرده و با چاپ و آرایش دلپذیری در چین منتشر ساخته که بعدها شاعر با افزودن تعداد دیگری، مجموعه را به سال ۱۳۹۲ تحت عنوان «درختی که می‌دود» منتشر

## نگاه به جنگ در دست‌نوشته‌های بچه‌ها



می‌کند. علی‌به‌جبهه می‌رود و از آن‌جا نامه‌هایی برای سعید می‌نویسد. مفاهیم عمده نامه‌های علی دلسوزی برای جنگ‌دیده‌ها و جنایات آمریکای «خونخوار» است. او همچنین خاطرهای از شهادت پدر یک خانواده جنگ‌دیده تعریف می‌کند. علی در جنگ شهید می‌شود. نویسنده در ابتدای داستان از زبان یک کبوتر چاهی صحبت کرده که در انتها سعید برادرش را به کبوتری که با شهادت از چاه آزاد می‌شود، تشبیه می‌کند.

در قطعه ادبی «لحظه‌ای به بی‌کرائی آسمان» که متنی شاعرانه از پسری است که به جنگ می‌رود، جدایی زن و مرد و نقش‌شان در جنگ را می‌بینیم.

ایروانت  
گره‌گشاست (۱۶)

گورخر  
زندانی طبیعت، (۳۸)

نوروز  
بی‌خانمانی عنکبوت‌ها (۵۸)

قناری  
زندانی آواز، (۵۴)

لاک‌پشت  
سنگی که می‌خزد، (۶۷)

دیوار چین  
تاریخ‌ایستاده (۱۱۲)

که این نمونه آخر بسیار شبیه است به سروده‌ای از «میچیو مادو» (Michio Mado) شاعر پرآوازه ژاپنی که «خواب پروانه‌ها» از او با ترجمه خوب «احمد پوری» به فارسی منتشر شده و این است نوشته مادو: «در قفسی / ساخته‌الزخود»

درساره هایکوی ایرانی، سیروس نـوژدی که خود کـوتـه‌سـرایـی شناخته شده است، اثری دارد با عنوان «هایکونویسی» و عنوان فرعی «سیری در هایکو و هایکوی ایرانی» که به سال ۱۳۹۰ در تهران منتشر شده و به تفصیل این مقوله را بررسی کرده و نمونه‌هایی از آثار هایکونویسان پارسی را نیز آورده است.

در این نوشته قصد دارم چهره‌های تازه در عرصه هایکوی پارسی را به جامعه ادبی ایران بشناسانم و با آوردن نمونه‌هایی از هایکوهایش تاکید کنم که «محمد صفی» هایکونویس مورد اشاره من با علم و آگاهی از اصول هایکوی کلاسیک و هایکوی مدرن، هدفمند به این عرصه پا نهاده و از دید من آثار قابل توجهی نیز آفریده که سخت تامل برانگیزند. برای نمونه در این هایکو که وی شاهد آتش‌زدن درخت کاجی در یک گردشگاه بوده، احساس خود را چنین ثبت کرده است:

تمام قد سوزانم از اش

هیچ‌گفت

کاج جوان!

با هتنگامی که در سفری به زادگاه پدری‌اش، در یک لحظه روپاهی را دیده که از پشت درختی به او می‌نگرد، چنین نوشته است:

ای رویه

در من کرد دیدهای

که خیر تماشا می‌می‌کنی؟

«محمد صفی» از این قبیل هایکوهای اثر گذار فراوان دارد و طرفه این که در همین یک‌ماه گذشته و بمباران غزه ستم‌کننده دوهایکوی اثر گذار او را با تم فاجعه‌ز غزه خوانده‌ام که مخاطب را برتاب می‌کند. میان عمر که‌ای که قربانیان آن، شهری تاریخی و زنان و کودکانکش هستند:

درخت افتاده را

نیست ستابهای

غزّه ویران!

«گفت نمی‌جنگم!

شلیک کرده‌ب پایش

سریاز»

بماند که پدیدآورنده این هایکوهای در خشان و اثر گذار، همچنان به ثبت دریافت‌های خویش از هستی و طبیعت و آنچه بر انسان امروز می‌رود ادامه دهد و ما در آینده هایکوهای قابل تامل دیگری از او بخوانیم. چنین‌باد!

در همین حال و هوای اولین جلد آن در سال ۶۳ منتشر شده است. در بعضی از این نوشته‌ها هنوز از طبقه پایین جامعه که حالا «مستضعف» خوانده می‌شود و نه «کارگر» یاد می‌شود که انگشت‌شمار است در مقابل اهمیت بخشی به شهادت بیشتر دیده می‌شود. در این نوشته‌ها دیگر از جسد یا کشته‌شدن مردم خبری نیست بلکه مردم به «در چه رفیع شهادت» می‌رسند. همین‌طور عراقی‌ها موşk‌هایشان را بر مردم «بی‌دفاع» می‌بزدند و نه مثل گذشته بر مردم «فقیر». شهادت نیروهای نظامی یا به لفظ بچه‌ها «برادران پاسدار» نیز بخشی دیگر از نوشته‌های بچه‌هاست.

در مطلب شماره ۵ از این مجموعه پس از صحبت از آوازی و سختی و شهادت مردم می‌خوانیم: «ما حاضریم به خاطر اسلام همه این زجرها و سختی‌ها را تحمل کنیم». نام بردن از صدام و دادن لقب یزید به او از سوی بچه‌ها نیز برای اولین بار در این کتاب دیده می‌شود. مرگ همچنین معنای غیرت و تعصبی دارد که بیشتر دینی است مثل می: «به خدا سوگند تسلیم نمی‌شویم حتی اگر همه ما را بکشند». در این نوشته‌ها کودک‌کان مرگ مردم را «شهادت خواهران و برادران» و «شهادت مردم بیگناه» می‌دانند. در دو نوشته نیز از شهادت زنان صحبت می‌شود. نوشته اول شهادت دختری به نام زهرا و شجاعت او را تعریف می‌کند. زهرا کسی بود که می‌خواست کودکی مجروح را هرطور شده به بیمارستان برساند. دیگری صحبت از شهادت خاله در یکی از نوشته‌هاست. خاله که به گفته نویسنده «دختر مسلمان و باهوشی بود» مطالعه را دوست داشت و به دوستانش گفته بود که من شهیدی شوم.

این نمونه‌ها در کتاب دوم خاطرات جنگ نیز هستند. در خاطره ۱۶ این کتاب که هم‌زمان با کتاب اول منتشر شده از زبان دختری که پسر دایی‌اش را در جنگ از دست داده، می‌خوانیم: «او پسری مومن بود. شهادتش برای ما و دیگران درسی بود که هیچ‌وقت از یاد نمی‌بریم. به‌تأمین امید پیروزی» در این کتاب برای اولین بار بین دست‌نوشته‌های بچه‌ها عبارت «شهیدان زنداند» برمی‌خیزیم. در این‌جا خوانیم: «همان لحظه اول سه نفر شهید شدند و دو نفر زخمی، خواهرم آمبولانس خبر کرد و من خیلی ناراحت شدم. در همان حال همه می‌گفتیم الله اکبر، الله لاله، الله لاله و شهیدان زنداند! الله اکبر.»

نگاه

### کالبدشکافی مفهوم صلح در ادبیات کودک و نوجوان

دشمنی ندهد و چه عواملی موجب می‌شود تا دوستی‌ها به دشمنی‌ها مبدل شوند و آدمیان به جان هم بیفتند؟

آدمیان به جان هم بیفتند؟ داستانی می‌تواند احترام متقابل آدمیان به حقوق یکدیگر را به تصویر بکشد. حقوقی که اگر نادیده گرفته شوند، به‌طور طبیعی به جنگ و دشمنی منجر می‌شوند. بدیهی است که دفاع آدمیان از حششان بخشی از ماجراست که کسی در آن تردید ندارد. دفاعی که به‌طور غریزی اتفاق می‌افتد و نیازی به آموزش چندانی ندارد. زیرا هرکس نسبت به حقوق خود درک حضوری دارد و آن را با باقی خود گره خورده می‌بیند. روایتی که سن اگزوپری در داستان شازده کوچولو ارائه می‌دهد، مخاطب را با ستاره‌هایی آشنا می‌کند که هرکس با سبک و سیاق خود در آن زندگی می‌کند.

در این ستاره‌ها هرکس می‌اندیشد روال زندگی همان چیزی است که او دریافت و راه دیگری به غیر از آن متصور نیست. اما شازده کوچولو به‌عنوان ناظر بی‌طرف به این حقیقت رسیده که

در این ستاره‌ها هرکس

می‌اندیشد روال زندگی همان

چیزی است که او دریافت و

راه دیگری به غیر از آن متصور

نیست اما شازده کوچولو

به‌عنوان ناظر بی‌طرف به این

حقیقت رسیده که در هستی،

ستاره‌های بی‌شماری هست،

که در هر یک زندگی به سبک

و سیاق خاصی در جریان

است. بدیهی است برخی از این

زندگی‌ها به‌طور منظمی آیند

و سیاق خاصی در جریان

است. بدیهی است برخی از این

زندگی‌ها به‌طور منظمی آیند

و سیاق خاصی در جریان

است. بدیهی است برخی از این

زندگی‌ها به‌طور منظمی آیند

در این ستاره‌ها هرکس می‌اندیشد روال زندگی همان چیزی است که او دریافت و راه دیگری به غیر از آن متصور نیست. اما شازده کوچولو به‌عنوان ناظر بی‌طرف به این حقیقت رسیده که در هستی، ستاره‌های بی‌شماری هست که در هر یک زندگی به سبک و سیاق خاصی در جریان است. بدیهی است برخی از این ستاره‌ها هرکس می‌اندیشد روال زندگی همان چیزی است که او دریافت و راه دیگری به غیر از آن متصور نیست. اما شازده کوچولو به‌عنوان ناظر بی‌طرف به این حقیقت رسیده که در هستی، ستاره‌های بی‌شماری هست، که در هر یک زندگی به سبک و سیاق خاصی در جریان است. بدیهی است برخی از این زندگی‌ها به‌طور منظمی آیند و سیاق خاصی در جریان است. بدیهی است برخی از این زندگی‌ها به‌طور منظمی آیند و سیاق خاصی در جریان است. بدیهی است برخی از این زندگی‌ها به‌طور منظمی آیند

شازده کوچولو ستاره‌ها نمادی از جهان‌های اختصاصی آدمیان است که براساس ذوق و سلیقه آنها شکل می‌گیرد. برخی از این جهان‌ها باب طبع ما نیست و ما نیز حق داریم که از آنها عبور کنیم و به دنبال اهداف و آرمان‌های خود باشیم. در این روایت بی‌آن که اگزوپری خواهد شعار صلح بدهد، ما را به مقتضیات چنین فضایی آشنا می‌کند. پذیرش حقوق، سلیق و گرایش‌ها و جهان‌های اختصاصی آدم‌ها ولو آن‌که آن را احقانه ببینیم، همان چیزی است که می‌تواند زیربنای صلح میان آدمیان تصور شود.

اما در این میان نکته تکان‌دهنده‌ای وجود دارد که ترسیم آن برای مخاطب کودک و نوجوان دشوار اما ضروری است.

ما در روایت سن اگزوپری شاهد گفت‌وگوی شازده کوچولو با مار هستیم. شازده مار را بی‌خطر می‌بیند و همچنان که با دیگران به گفت‌وگو نشسته با مار نیز صمیمانه سخن می‌گوید. و غافل از آن است که در پهنه هستی، موجوداتی هستند که طبیعت‌شان زهرآلود است و حتی اگر بخوانند بوسه‌ای نثار هم‌نشین خود کنند، در عمل چیزی جز نیش زهرآلود نصیب او نخواهند کرد. در روایت سن اگزوپری شازده کوچولو در نهایت قربانی خوش‌بینی خود می‌شود، گویا نویسنده می‌خواهد به مخاطب یادآوری کند همه چالش‌ها و مشکلات پیش‌روی ما از جنس اختلاف شازده کوچولو و گل سرخش نیست. بلکه گاهی ماهیتی زهرآلود پیدا می‌کند که جز پرهیز و دوری از آن راه دیگری را پیش روی ما نمی‌گذارد.

با این تمثیل می‌توان پیچیدگی روایت جنگ و صلح را بیشتر لمس کرد. قرار نیست ما به پهنه ادبیات مقاومت و پایداری فرهنگ کینه‌توزی و دشمنی را بیاموزیم، اما در مقابل نیاز نباید مخاطب را به وادی یک ایده‌آلیسم ساده اندیشانه سوق دهیم. پذیرش حقوق دیگران و احترام به سلیقه و گرایش متفاوت آنها، مسیری است که می‌تواند مخاطب ادبیات کودک و نوجوان را با فرهنگ صلح آشنا کند. اما چنان‌که اگزوپری در روایت شازده کوچولو نشان می‌دهد، مارهای زهرآگین هم هستند که اگر مواظب آنها نباشیم، ناچار می‌توانیم سنگین آن را ببریم. هوشیار کردن کودک و نوجوان نسبت به این واقعیت تلخ نیز می‌تواند بخشی از فرآیند انتقال مفهوم صلح‌خواهی و آشتی طلبی به او باشد.

کودک و نوجوان به‌عنوان

ناظر بی‌طرف وقتی با دو جنگ

هولناک جهانی اول و دوم

مواجه می‌شود، پیش از آن که

برایش مطرح باشد که چه

طرفی مقصر است، کشته‌شدن

میلیون‌ها انسان و خرابی شهرها

و آبادی‌ها را به پرسش می‌گیرد.

شازده‌ها همین خاطر باشد که

از نگاه او پیش از آن که غالب و

مغلوب با ظالم و مظلوم جنگ

مورد پرسش باشد، زشتی‌ها و

ناسامات‌های حاصل از جنگ

اهمیت دارد

کودک و نوجوان

به‌عنوان ناظر بی‌طرف

وقتی با دو جنگ هولناک جهانی اول و دوم

مواجه می‌شود، پیش از آن که

برایش مطرح باشد که چه

طرفی مقصر است، کشته‌شدن

میلیون‌ها انسان و خرابی شهرها

و آبادی‌ها را به پرسش می‌گیرد.

شازده‌ها همین خاطر باشد که

از نگاه او پیش از آن که غالب و

مغلوب با ظالم و مظلوم جنگ

مورد پرسش باشد، زشتی‌ها و

ناسامات‌های حاصل از جنگ

اهمیت دارد

کودک و نوجوان

به‌عنوان ناظر بی‌طرف

وقتی با دو جنگ هولناک جهانی اول و دوم

مواجه می‌شود، پیش از آن که

برایش مطرح باشد که چه

طرفی مقصر است، کشته‌شدن

میلیون‌ها انسان و خرابی شهرها

و آبادی‌ها را به پرسش می‌گیرد.

شازده‌ها همین خاطر باشد که

از نگاه او پیش از آن که غالب و

مغلوب با ظالم و مظلوم جنگ

مورد پرسش باشد، زشتی‌ها و

ناسامات‌های حاصل از جنگ

اهمیت دارد

کودک و نوجوان

به‌عنوان ناظر بی‌طرف

وقتی با دو جنگ هولناک جهانی اول و دوم

مواجه می‌شود، پیش از آن که

برایش مطرح باشد که چه

طرفی مقصر است، کشته‌شدن

میلیون‌ها انسان و خرابی شهرها

و آبادی‌ها را به پرسش می‌گیرد.

شازده‌ها همین خاطر باشد که

از نگاه او پیش از آن که غالب و

مغلوب با ظالم و مظلوم جنگ

مورد پرسش باشد، زشتی‌ها و

ناسامات‌های حاصل از جنگ

اهمیت دارد

کودک و نوجوان

به‌عنوان ناظر بی‌طرف

وقتی با دو جنگ هولناک جهانی اول و دوم

مواجه می‌شود، پیش از آن که

برایش مطرح باشد که چه

طرفی مقصر است، کشته‌شدن

میلیون‌ها انسان و خرابی شهرها

و آبادی‌ها را به پرسش می‌گیرد.

شازده‌ها همین خاطر باشد که

از نگاه او پیش از آن که غالب و

مغلوب با ظالم و مظلوم جنگ

مورد پرسش باشد، زشتی‌ها و

ناسامات‌های حاصل از جنگ

اهمیت دارد

کودک و نوجوان

به‌عنوان ناظر بی‌طرف

وقتی با دو جنگ هولناک جهانی اول و دوم

مواجه می‌شود، پیش از آن که

برایش مطرح باشد که چه

طرفی مقصر است، کشته‌شدن

میلیون‌ها انسان و خرابی شهرها

و آبادی‌ها را به پرسش می‌گیرد.

شازده‌ها همین خاطر باشد که

از نگاه او پیش از آن که غالب و

مغلوب با ظالم و مظلوم جنگ

مورد پرسش باشد، زشتی‌ها و

ناسامات‌های حاصل از جنگ

اهمیت دارد

کودک و نوجوان

به‌عنوان ناظر بی‌طرف

وقتی با دو جنگ هولناک جهانی اول و دوم

مواجه می‌شود، پیش از آن که

برایش مطرح باشد که چه

طرفی مقصر است، کشته‌شدن

میلیون‌ها انسان و خرابی شهرها

و آبادی‌ها را به پرسش می‌گیرد.

شازده‌ها همین خاطر باشد که

از نگاه او پیش از آن که غالب و

مغلوب با ظالم و مظلوم جنگ

مورد پرسش باشد، زشتی‌ها و

ناسامات‌های حاصل از جنگ

اهمیت دارد

کودک و نوجوان

به‌عنوان ناظر بی‌طرف

وقتی با دو جنگ هولناک جهانی اول و دوم

مواجه می‌شود، پیش از آن که

برایش مطرح باشد که چه

طرفی مقصر است، کشته‌شدن

میلیون‌ها انسان و خرابی شهرها

و آبادی‌ها را به پرسش می‌گیرد.

شازده‌ها همین خاطر باشد که

از نگاه او پیش از آن که غالب و

مغلوب با ظالم و مظلوم جنگ

مورد پرسش باشد، زشتی‌ها و

ناسامات‌های حاصل از جنگ

اهمیت دارد

کودک و نوجوان

به‌عنوان ناظر بی‌طرف

وقتی با دو جنگ هولناک جهانی اول و دوم

مواجه می‌شود، پیش از آن که

برایش مطرح باشد که چه

طرفی مقصر است، کشته‌شدن

میلیون‌ها انسان و خرابی شهرها

و آبادی‌ها را به پرسش می‌گیرد.

شازده‌ها همین خاطر باشد که

از نگاه او پیش از آن که غالب و

مغلوب با ظالم و